

نقش و جایگاه تیسفون در معادلات سیاسی و اقتصادی دوره‌ی ساسانی

سلطانعلی کریمی

دانشجوی دکتری تاریخ پیش از اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ایران

soltanalikarimiii@gmail.com

فیض اله بوشاسب گوشه

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

f.boushasb@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۹ - صفحه ۱۴۷-۱۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳

چکیده

اردشیر بابکان تیسفون را به عنوان پایتخت توسط دولت ساسانی انتخاب کرد. این شهر نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت سیاسی کشور ایفا کرد و به مرکز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبدل گردید. تیسفون به جهت اینکه بر سر راه‌های مهم بازرگانی و تجاری از جمله جاده‌ی ابریشم و راه دریایی خلیج فارس به اقیانوس هند واقع شده بود به لحاظ سیاسی و سوق‌الجیشی در منطقه‌ی بین‌النهرین اهمیت ویژه‌ای داشت. تیسفون در اواخر دولت ساسانی به دلیل اوضاع آشفته سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رونق اولیه‌اش را از دست داد. پایتخت ساسانی از نظر بازرگانی و امور تجاری نقش مهمی در ارتباطات بین‌المللی بازی می‌کرد؛ زیرا شهرهای ایران در دوره‌ی ساسانیان مرکز تجارت و صنعت بود. بی‌ثباتی سیاسی و نظامی در تیسفون که ناشی از آمدن و رفتن‌های مکرر شاهان در سال‌های پایانی حکومت ساسانی بود، باعث متزلزل شدن اوضاع پایتخت و سایر ایالت‌های تابعه و شورش سرداران و حاکمان ایالت‌ها در نقاط مختلف کشور شد. روش تحقیق، در این مقاله با توجه به ماهیت نظری آن، روش تحقیق تاریخی و به شیوه‌ی تبیینی - تحلیلی است و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. هدف مقاله تبیین و تشریح نقش و جایگاه تیسفون در معادلات سیاسی و اقتصادی دوره‌ی ساسانی می‌باشد.

کلید واژه: تیسفون، ساسانیان، پایتخت، معادلات سیاسی، اقتصادی.

مقدمه

تیسفون به عنوان پایتخت هفتصد ساله‌ی عهد باستان در دوره سلسله‌ی مقتدر یعنی ساسانی نقش بزرگی بر عهده داشت و این نقش بر کسی پوشیده نیست. در میان شهرهای بزرگ باستان به خصوص پایتخت‌های مشهور آن عهد، تیسفون (مداین) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز سیاسی دنیای قدیم مورد توجه شرق و غرب بوده است. این شهر که فراز و نشیب‌های زیادی در تاریخ خود دارد به دلیل موقعیت استراتژیکی خاص خود که در سرزمین بین‌النهرین واقع شده بود، در جایگاه امپراتوری شرقی نقشی راهبردی در معادلات سیاسی و اقتصادی در برابر امپراتوری غرب به عهده داشت. این سوال مطرح است که نقش و جایگاه تیسفون به عنوان مرکز سیاسی دولت ساسانی چه بوده است؟ این بحث به موضوع پایتخت‌هایی با رویکرد سیاسی-اقتصادی که در برگیرنده‌ی کارکردهای اقتصادی - تجاری - فرهنگی است می‌پردازد؛ زیرا مهم‌ترین عنصر در ساختار سیاسی را در بر می‌گیرد.

تیسفون یکی از مراکز بندری و بازرگانی بزرگ آسیا و قلب کشورهای وسیع شاهنشاهی ایران بود و علاوه بر اهمیت بندری و بازرگانی، مرکز اداری و سیاسی ایران به‌شمار می‌آمد. تیسفون به جهت این‌که بر سر راه‌های مهم بازرگانی و تجاری از جمله جاده‌ی ابریشم و راه دریایی خلیج فارس به اقیانوس هند قرار داشت و به لحاظ مسائل سیاسی و استراتژی در منطقه بین‌النهرین دارای اهمیت ویژه‌ای بود و از نظر اقتصادی و روابط بازرگانی مورد توجه سایر کشورها قرار می‌گرفت.

مرکز حکومت ساسانی شامل چند شهر نزدیک به هم بوده که مهم‌ترین آن‌ها تیسفون نام داشت. هریک از شهرها توسط یکی از پادشاهان به مناسبتی خاص بنا گردید و بیشتر جنبه سیاسی و سوق‌الجیشی داشت. این شهرها به ترتیب تاسیس عبارت بودند از: تیسفون، بلاش‌گرد، وه‌اردشیر، به‌ازاندیوخسرو (رومیّه)، اسپانور (اسفابور)، درزیندان (آرزیجان). (بیانی، ۱۳۵۰: ص ۱۲۱). تیسفون یک انتخاب استراتژیکی بود، نخست به خاطر پایتخت بودن آن در دوره سلوکی و اشکانی از قابلیت هسته‌ای بالایی در گستره‌ی جغرافیایی سیاسی و شبکه شهری کشور برخوردار بود دیگر این‌که این شهر از موقعیت تهاجمی و دفاعی مناسبی در برابر رومیان و هون‌ها برخوردار بود و در واقع تیسفون

از طرفی سپر دفاعی ساسانیان در مقابل حکومت روم بود. از طرف دیگر به عنوان تکیه‌گاه استراتژیک حکومت ساسانیان در مقابل حملات ترک‌ها نقش آفرینی می‌کرد. به عبارتی این شهر با توجه به موقعیت جغرافیایی خود محور استراتژیک حکومت ساسانیان در برقراری تعادل ژئوپلیتیکی آن در مقابل تهدیدات شرقی و غربی بوده است. بررسی و کاوش شهر بزرگ تیسفون، که یکی از مراکز تمدن بزرگ ایرانی در عهد سلسله‌ی بزرگ پارسی یعنی دولت ساسانیان بوده است موضوعی شد تا درباره چگونگی اوضاع سیاسی، اجتماعی و... آن شهر پرداخته شود. بررسی این بخش از دوران سیاسی تیسفون که در اواخر دولت ساسانی دچار دگرگونی ناشی از اختلافات و نزاع‌های داخلی به وضعیت شکننده‌ای رسیده بود، ناشی از ضعف و ناتوانی واپسین پادشاهان و زمامداران این سلسله سبب شد تا به فروپاشی کامل نظام سیاسی تیسفون، پایتخت کشور بینجامد. پس از پیدایش پدیده شهرنشینی که منجر به شکل‌گیری شهرها شد یکی از عوامل در پیدایش شهرها در ایران عامل اداری-سیاسی بوده است. شهرها و پایتخت‌ها طبق نقشه منظم و عمدتاً به طریق شبکه‌بندی مستطیل شکل با محورهای اصلی بنیاد گردیدند. اغلب شهرها، دارای حصار و خندق بودند و هر شهری دارای کاربردی متفاوت از دیگر شهرها بود. بدین ترتیب کار و تجارت مردم عادی از منطقه یا بناهای کشوری مانند اداره معابد و کاخ، جدا بودند (کیانی، ۱۳۷۴: ۲۸۶؛ مجیدی، ۱۳۹۸: ص ۹۵-۹۴). اگرچه قبل از این، نیز تحقیق‌های خوبی صورت گرفته است اما در این پژوهش پیش رو سعی بر گسترش دامنه این اقدامات بوده تا به ابعاد بیشتر و کامل تری از زوایای دیگر این موضوع دسترسی پیدا کنیم.

مجموعه شهرهای تیسفون یا مدائن عبارت است از: تیسفون (Tespon)، رومگان (رومیه)، وه - اردشیر (بهرسیر) (Bahurusir). درزیندان (Darzanidhan) در شمال وه اردشیر، ولاش‌آباد (Valashabadh) یا ساباط در مغرب آن، اسفابور (اسبانبر). پنج شهر از این شهرها تا زمان یعقوبی مورخ قرن سوم هجری دایر بود که وی آنان را شامل تیسفون، اسبانبر، رومیه، وه اردشیر و ولاش‌آباد (بلاشگرد، ساباط) می‌دانسته است (یعقوبی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۹/۱). وه اردشیر Veh Ardasher (سلوکیه قدیم) قسمتی از شهر سلوکیه است که در سال ۱۶۷ میلادی به دست آوید یوستی کاسیوس ویران

و در زمان اردشیر بابکان مجدداً احیا شد. این مجموعه به زبان سریانی ماحوزه Mahose «متروپولیس» به معنی شهرها است که اعراب آن را المدائن ترجمه کردند. اردشیر پس از به قدرت رسیدن، شهر سلوکیه را به آتش کشید و به ویرانه ای مبدل کرد سپس آن را آبادان ساخت و نام سلوکس را از آن حذف کرد و نام وه اردشیر یا به اردشیر را بر آن گذاشت. «شهر وه اردشیر در منابع عربی و مورخان عرب بهر سیر نام گذاشته شده بود. به اردشیر نام آن به عربی مداین چون اعراب آن را مداین جمع شهرها می نامیدند و ایسآباد اردشیر خوانند» برخی معتقدند که تیسفون همان کسيفا است که در تورات (کتاب عذرا) از آن یاد شده و بین بابل و بیت المقدس قرار داشته و به شهر سیمین معروف بود. این شهرها بعدها در دوران ساسانیان به حداکثر وسعت و آبادانی و عظمت رسیدند. تیسفون نام کهن ترین شهر از مجموعه چند آبادی بود که در زبان سریانی ماحوزه و ترجمه پهلوی آن، شهرستانان خوانده شد (سرافراز، ۱۳۸۵: ۱۰۷). یکی از مجموعه شهرهای مدائن به نام استانبور (اسبانبر). تیسفون جدید نامیده شد که مربوط به اواخر دوره ساسانی است. محله اسبانبر که بقعه سلمان پاک و طاق کسری را احاطه کرده است، ظاهراً باغ و بستان بوده است و بستان کسری را که باغ گوزنان خسرو بوده را در برمی گرفت. در بررسی محل هایی که شهر در آن ایجاد شد به سه نقش اصلی بررسی شده، یعنی قدرت (ارگ، قلعه، کاخ، تشکیلات فضایی) زندگی مذهبی و معنوی (معبد، مسجد، مدرسه و هنر) و اقتصاد غیرزراعی (بازار، محل کالاهای جابه جا شده، تولیدات حرفه ای، سرمایه گذاری) رسیدند. این موارد در برخی از شهرها از جمله سلوکیه و تیسفون شایستگی نام شهر را دارند. انوشیروان شهر به ازاندیوخسرو را در نزدیکی تیسفون بنیاد نهاد و همه اسیران رومی را در آن ساکن نمود و این شهر که رومیّه نام داشت و انطاکیه جدید نام گرفت، ولی معمولاً آن را رومکان شهر رومیان می خواندند، برای آن شهرستانی احداث نمود که شامل پنج تسوگ یعنی بخش بود که عبارتند از: بخش نهروان اعلی، نهروان اوسط (دیرعاقول)، نهروان اسفل (جرجریا)، بخش باذریا (مادرایا) و بخش باکسایا بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ص ۱۰۰). یکی دیگر از شهرهای مدائن، درزیندان (ارزیجان) بود.

تیسفون پایتخت شاهنشاهی، بزرگترین شهر از مجموع شهرها محوزه ملکا- یعنی شهرهای پادشاه و گاهی مدینا یا مدینه (شهرها) می‌گفتند. تیسفون و شهر ویه اردشیر که همان سلوکیه قدیم است. مهمترین شهرهای مدائن بوده‌اند (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۳۷۵). یکی از این شهرها که برای پایتخت بودن نقش مهمی پیدا کرد تیسفون بود که در طول قرن‌ها مراکز قدرت سیاسی دولت‌های ایران در عهد باستان بوده است. در زمان تسلط هلنی‌های مهاجم (سلوکیان)، سلوکیه بنا نهاده شد. این شهر از دوره دولت یونانی تا پایان دولت ساسانی به‌عنوان مرکز سیاسی حکومت‌ها به‌شمار می‌رفت. گفته می‌شود بنیاد تیسفون از عهد هخامنشی شروع شده است. اعراب تختگاه تیسفون (به فارسی میانه *tyspwn*) را تیسفون هم می‌نویسند. نام پارسی آن به پهلوی تیسپون یا ته‌سی فون گفته می‌شد و به ارمنی ویسپون. در منابع دوران اسلامی، مدائن و نبطیان نیز آن را طیسونج خوانده‌اند. برخی معتقدند که تیسفون همان کسيفا است که در تورات (کتاب عذرا) از آن یاد شده و به شهر سیمین معروف بود (بیانی، ۱۳۷۷: ص ۴۹). برخی شهرها از جمله بلاش‌گرد (ولیشکیا، ساباط) در نزدیکی تیسفون به مراکز تجاری مهم تبدیل شده که از این جهت جای سلوکیه را گرفته بودند. برخی منابع قدمت شهر تیسفون را به زمان اسکندر مقدونی و حتی عصر اساطیری رساندند؛ از جمله پیروکوپیوس مورخ رومی معاصر با خسرو انوشیروان، تیسفون را از بناهای امرای مقدونی می‌داند. وی در اساطیر ایرانی آن را جزء اولین شهرهای بنا شده پس از بابل عتیق دانسته است که می‌بایست این شهر قبل از هجوم اسکندر موجود بوده باشد. در ادوار گذشته شاهان اشکانی و ساسانی در شهر تیسفون تمدن درخشانی تاریخی را پی‌ریزی نمودند که موجب اعتبار فراوانی در این پایتخت شدند. از جمله در دوره اُرد اول که یکی از ادوار درخشان تاریخ اشکانی محسوب می‌شود، تیسفون اعتبار فراوان یافت. ابتدا «سورنا» سردار معروف اُرد با کوشش خستگی‌ناپذیر در توسعه‌ی شهر، سهم بسزایی داشته و کاخ‌های زیبا و باشکوهی را به‌عنوان مکان اقامتی خود بر می‌گزید. از آن‌جا که در آن موقع دارای موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی مناسبی بوده مورد توجه شاهان و حاکمان قرار می‌گرفت. استرابون در این باره می‌نویسد: شاه زمستان را در این جا (تیسفون) با نشاطی که از هوای عالی آن حاصل می‌شد می‌گذرانید (پیرنیا، ۱۳۸۷: ص ۱۸۷۷/۳). تیسفون در ساحل چپ یعنی ساحل شرقی قرار داشته و مرکزی تجاری و بازار بزرگی داشت که جمعیت انبوهی در آن گرد می‌آمدند. کالاهای

فراوانی از جمله مصنوعات فلزی و اشیاء گران بها و دارای تزئینات در آن جا فراهم بوده است و این امر به این دلیل بود که شاهان ساسانی عده کثیری از هنرمندان و نقاشان را در دربار خویش گرد می آوردند. شاهان اشکانی تیسفون کهن ترین شهر را که در مقابل سلوکیه قرار داشت به علت موقعیت مهم سیاسی و نظامی پایتخت زمستانی خود قرار دادند که بعدها نیز در دوران ساسانیان به حداکثر وسعت و آبادانی و عظمت خود رسید (سرفراز، ۱۳۸۵: ص ۱۰۷). تیسفون که در کنار سلوکیه بنیاد نهاده شد در طول دوره باستان بارها مورد تجاوز و غارت امپراتوران روم واقع شد اما همواره روابط سیاسی و اقتصادی نیز برقرار بود. تیسفون ابتدا در زمان مهرداد اول (اشک ششم) ۱۳۶-۱۷۴ ق. م فتح شد و علت احداث این شهر برای بی اعتبار ساختن سلوکیه بود که به اردوگاه یونانیان تبدیل شده بود و از لحاظ آب، حاصلخیزی، موقعیت بازرگانی و سوق الجیشی بسیار اهمیت داشت. پایتخت ها بنا به ساختار فرهنگی، تجاری و سیاسی خود کارکردهای متفاوتی را پیدا می کنند با این حال ایجاد اتحاد و برقراری انسجام حکومت با کارکرد اصلی یک پایتخت ملی یا مرکزی ارتباط پیدا کرده و زمینه را برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی یک کشور که از تاثیرات ملی برخوردارند، فراهم می سازد. از طرفی اقوام و ملت های زیادی قرن ها در این منطقه نشو و نما کردند و فرهنگ و تمدن های درخشانی را بوجود آوردند این تمدن ها در ساختن تمدن های بعدی و فرهنگ و تمدن معاصر نقش مهم و مؤثری داشته و سهم زیادی در تمدن جهانی داشته اند. اندیشه های وارداتی غربی در این عصر با افکار و اندیشه های برآمده از هند درهم آمیخته شد که باعث شکوفایی و باروری افکار و روشنفکران در تیسفون و سایر نقاط ایران شد و تأثیر زیادی بر افکار مردم در آن دوره داشته است. (گیرشمن، ۱۳۷۹: ص ۳۲۲)، یکی از مهم ترین نهادهایی که در کنار و همراه دستگاه حکومتی یا به تنهایی در شهرها به شکل سازمانی مقتدر و تشکیلاتی منظم شکل گرفت، دستگاه سازمان یافته ی معابد و پرستشگاه ها و آموزشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت بود که کار تربیت دبیران و حسابگران امور مالی و دیوانی و حساب های مربوط به معابد را به عهده داشتند. تأسیس و ایجاد شهرها و مراکز سیاسی در دوره ساسانی نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت سیاسی ایفا می کرد. پایتخت به مرکزی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبدل گشت و تیسفون نقش مهم و ارزنده ای در تعاملات سیاسی آن دوران داشته است.

پایتخت مقرر حکومت ملی و جلوه‌گاه فرهنگ و قدرت ملی است و در واقع پایتخت شهری است که ساختار سیاسی و فرهنگ محلی خود را داراست؛ زیرا از سوی تیسفون پایتخت یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شد و دارای بیش‌ترین ثروت‌ها، زیباترین و مجلل‌ترین کاخ‌ها و محلات بود و دارای جمعیت زیاد و از کلیه نعمت‌های موجود بهره‌مند بود. و از سوی دیگر این شهر از لحاظ سوق‌الجیشی نیز بیش‌ترین درجه اهمیت بود؛ زیرا بر سر راه عربستان، سرزمین مادری اسلام، در میان‌رودان قرار داشت که این منطقه دروازه‌ی ایران و دروازه‌ی امپراتوری بیزانس محسوب می‌گردید. به همین دلیل پادشاهان ساسانی، تیسفون را «دل ایران‌شهر» نامیدند.

امنیت شهرها و پایتخت‌ها در دوره باستان به وضعیت دفاعی آن شهر بستگی پیدا می‌کرد، چنان‌که برخی از شهرهای پارتی نقشه‌ای شبیه دایره داشتند. شهرهای تیسفون و الحضر و بخش رشدکرده مرو نیز چنین بودند. اندیشه نقشه دایره‌وار شاید از اردوگاه‌های آشوری گرفته شده باشد. زیرا از طرح فضای دایره‌وار می‌توان آسان‌تر از چهارگوش دفاع کرد و نیز باروکشیدن آن آسان‌تر است. این شیوه شهرسازی تا زمان ساسانیان و اسلام رواج داشت. در درون یک شهر مهم‌ترین ساختمان معمولا ارگ مرکز امور اداری (دیوان) و پرستشگاه‌ها بوده است. شیوه شهرسازی دوره ساسانی در آغاز دنباله‌رو شیوه شهرسازی اشکانیان (شهر اردشیرخوره) بوده است؛ اما به مرور زمان دنباله آن به سبک هخامنشیان برگشته و این شیوه به اصطلاح سبک شطرنجی است (تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ص ۴۰). از نظر دفاعی تیسفون دارای ارگ نیرومندی بود که نمی‌شد به راحتی آن را تسخیر کرد. شهر تیسفون علاوه بر نهادهای نظامی و سیاسی مرکز بازرگانی نیز بود و همانند شهر نسا شامل قلعه، کهندژ یا اقامتگاه شاهانه به شارستان وسیع بازار، معابر و غیره و روستاها و املاک زمین‌داران بزرگ بود (مجیدی، ۱۳۹۸: ص ۸۹). تیسفون وضعی داشت که در موقع جنگ غلبه بر آن ممکن نبود، حصارهای بلند بر روی مجموعه شهرهای آن کشیده شده و درهای مستحکمی در این حصار تعبیه کرده بودند. حصار به شکل نیم دایره با برج‌های بسیار داشت. وسعت زمین بین شط و حصار ۵۰ هکتار که همان مدینه‌العتیقه یا شهر قدیم می‌گویند در اطراف قرار داشت. اراضی پیرامون آن ظاهراً باغ بستان بوده و بستان خسرو اول یکی از شهرهای مدائن بود که انطاکیه جدید نام

داشت. و نام آن ویه انتیوخ خسرو نام داشت ولی معمولاً آن را رومگان شهر رومیان می خواندند. مؤسس دولت ساسانی، امپراتوری تازه‌ای در پارس و بر روی خرابه‌های باز مانده از دولت هخامنشی تأسیس کرد. اردشیر بابکان می خواست تمرکز و وحدت قلمرواش مخصوصاً بعد از خود توسط آیین زرتشت تضمین و تحکیم گردد. کانون عمده دولت ساسانی ابتدا شهر باستانی استخر بود که عنوان تختگاه ملک را داشته در آن شهر آتشگاه خاصی داشت و عنوان سلطنت را هم بر منصب روحانی، عمدتاً ملوک الطوائفی افزود (زرین کوب، ۱۳۸۶: ص ۲۳). در دوره ساسانی در زمان شاهان ساسانی شهرهای زیادی تأسیس شد که این شهرسازی مانند تیسفون در دوران شاهان مقتدر بیشتر مشهود بود؛ زیرا در زمان سلطنت این شاهان به دلیل امنیت مرزها به لحاظ قدرت نظامی سیاسی که داشتند کمتر مورد تهدید و دستبرد واقع شدند و باعث می شد که این شاهان به علت فراغت از جنگ و دل مشغولی‌های جنگی به مسائل اجتماعی از جمله شهرسازی و توجه اوضاع و احوال قلمرو سرزمینی خود بنمایند و فرصت بیشتری برای رونق و توسعه در درون کشور پیدا کردند. دولت ساسانی توانسته بود پایتخت خود را در تیسفون در کنار دجله قرار دهد و از نزدیکی پایتخت به مرزهای دشمن خود واهمه ای نداشته باشد. زیرا دولت ساسانی در طول چهار قرن به حد کافی نیرومند شده بود و توانست مملکت ایران را از آسیب‌های مخرب و خطرناک حفظ کند و از تجاوز بیگانگان از جمله توسعه طلبی‌های دولت بیزانس مصون نگه دارد. با وجودی که تیسفون پایتخت دولت ساسانی در نزدیکی مرزهای سرحدی خود با روم بیزانس بود، اما توانست به خوبی از قلمرو کشور محافظت کند. گفته می شود ساسانیان پس از غلبه بر اشکانیان مرکز سیاسی خود را در شهر تیسفون تثبیت نمودند تا امکان نگهداری از مرزهای غربی را که از سوی رومیان تهدید می شد داشته باشند (حافظ نیا ۱۳۸۱: ص ۲۸۶). اردشیر بابکان پس از رسیدن به قدرت، شهر سلوکیه را به آتش کشید و به ویرانه‌ای مبدل ساخته بود سپس آن را آبادان کرد. وی نام سلوکوس را از آن حذف کرد و نام خویش «وهردشیر یا به اردشیر» را بر روی آن گذاشت. اردشیر به دلیل همان اهمیتی که اشکانیان تیسفون را پایتخت خویش کرده بودند او نیز آن شهر را برای پایتخت دولت ساسانی انتخاب کرد. چون تیسفون ثروتمندترین ایالت دولت ساسانی بود پادشاهان ساسانی علاقمند بودند که مقرشان در ثروتمندترین ایالت ایران شهر باشد و تیسفون نمونه بارز آن در تاریخ ساسانیان است

اگرچه اکثر مورخین و صاحب نظران تیسفون را شهری عظیم دانسته‌اند، اما برخی نیز بودند که این شهر (تیسفون) را شهری کوچک و کهن می‌دانند. از جمله ابواسحاق اصطخری می‌گوید: مدائن شهری است کوچک و کهن به فاصله یک منزل در جنوب بغداد در شرق و کنار دجله، ایوان کسری که آن را از سنگ و گچ بنا کرده‌اند و شاهان را هیچ بنایی عظیم‌تر از آن نبوده است که پس از ویرانی مدائن شهر بغداد توسط منصور خلیفه عباسی بنیاد نهاده شد و به مرور زمان بر آن افزوده شد (اصطخری، ۱۳۸۳: ص ۸۱). احداث شهرها یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری و سیاسی توسط پادشاهان و برخی از امرا و حکام محلی صورت می‌گرفت. برخی از شهرها وضعیت نظامی داشتند و وضع جغرافیایی سرزمین ایران که در منطقه‌ای حد فاصل آسیای میانه، هند، بین - النهرین و آسیای صغیر قرار داشت همواره در معرض حملات و تهاجم ملل و اقوام مجاور واقع می‌شد و حاکمان مجبور بودند در مقابل این تهاجمات از مناطق مرزی در برابر هجوم بیگانگان محافظت کنند. بنابراین ساختن شهر در مناطق مرزی غالباً جهت دفاع و پیشگیری از این گونه حملات بوده است. تیسفون به دلایل سیاسی - اداری که از ادوار قبل داشت همچنان به‌عنوان مرکز سیاسی - اداری دولت قدرتمند ساسانی هم مورد استفاده قرار می‌گرفت. احتمالاً تیسفون الگوی خود را از شهر شوش که از موقعیتی ویژه در دوره هخامنشی برخوردار بود گرفته باشد؛ زیرا شوش که پیش از آن به مدت چند هزار سال پایتخت سیاسی و حکومتی ایلامی‌ها مورد استفاده واقع شده بود (مهرآفرین، ۱۳۹۸: ص ۷۶). تأسیس و ایجاد شهرها و مراکز سیاسی در دوره ساسانی نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت سیاسی ایفا کرد. پایتخت به مرکزی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبدل گشت. شهرها و پایتخت‌ها طبق نقشه منظم و عمدتاً به طریق شبکه‌بندی مستطیل شکل با محورهای اصلی بنیاد گردیدند. اغلب شهرها، دارای حصار و خندق بودند و هر شهری دارای کاربردی متفاوت از دیگر شهرها بود. بدین ترتیب کار و تجارت مردم عادی از منطقه یا بناهای کشوری مانند اداره معابد و کاخ جدا بود (کیانی، ۱۳۷۴: ص ۲۸۶). فلسفه وجودی حکومت ساسانیان بر همراهی دین و دولت تأکید داشت. نقش دین در ساختار سیاسی آن قدر مهم و اساسی بود که اردشیر خود گفته بود که دین و شاهی برادر یکدیگر و یکی از دیگری بی‌نیاز نیست (طبری، ۱۳۶۸: ص ۱/۶۷۱).

حاکمیت ساسانی در آخرین ایام خود گرفتار بحران در ساختارهای سیاسی- مذهبی شده و این امر بیش از هر چیزی در سقوط آنان دخیل بود.

این سوال مطرح است که استراتژی‌ها و دلایل ساسانیان در انتخاب پایتخت‌های حکومتی چگونه بوده است. بنیانگذار دولت ساسانی ابتدا شهر استخر در نزدیکی تخت جمشید را به دلیل اینکه خاستگاه اجداد ساسانیان و جد بزرگ به نام ساسان بوده و جایگاه مذهبی آن‌ها بود به عنوان اولین مرکز سیاسی ساسانیان انتخاب شد. اردشیر بابکان به دلایل سیاسی تصمیم گرفت پایتخت خود را از اردشیرخوره (فیروز آباد) به تیسفون منتقل کند، زیرا پس از سرکوب اردوان پنجم نیاز می‌دید که تیسفون مرکز سیاسی اشکانیان را تصرف نماید. با توجه به اینکه کشاورزی عنصر اصلی معیشت در اقتصاد ساسانیان بود، لذا تیسفون به سبب نزدیکی با سرزمین‌های حاصلخیز بین‌النهرین درآمد خوبی را از جهت محصولات کشاورزی نصیب ساسانیان می‌کرد. اهمیت بازرگانی در عهد ساسانیان و نزدیکی به تولیدکنندگان محصولات بابل و صادرات آن به کشورهای هند و چین از دلایل دیگر انتخاب تیسفون به عنوان پایتخت ساسانیان بود (نامی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۱۹۶). بنا به گفته چین‌شو تجارت سودبخش ساکنان آن‌هسی (پارس) و تین (هند) با مردم تات سین (سوریه) از راه تجارت دریایی بدست می‌آمد که سود آن تجارت صدبرابر بود (رائین، ۱۳۵۰: ص ۲۵۰).

پارس‌ها با بنیان نهادن سلسله ساسانیان موجب تجدید عظمت ایران دوره هخامنشی شدند. آن‌ها مؤسس حکومتی بودند که بر دو پایه دین و مرکزیت بنا شده بود بر خلاف پارت‌ها که ملوک‌الطوایفی بودند آن‌ها تأمین کننده وحدت ایران بودند و دولت آنها با اقتدار زیادی بر سراسر کشور نظارت تام داشت و به عنوان یک قطب قدرت جهان محسوب می‌شده است. شاهنشاهی ایران به عظمت فوق‌العاده‌ای رسید. این قدرت در طول زمان دچار آنچنان از هم گسیختگی شد که باعث فنا و زوال حکومت شد، زیرا در این دوره نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی وجود داشت. گفته می‌شود رشد و شکوفایی تیسفون از زمان شاپور دوم (۳۱۰-۳۷۹ م) آغاز شده است زیرا شاپور دوم که تسلط کافی بر امور داخلی و خارجی پیدا کرد و به پیروزی بر رومیان و سرکوبی اعراب نایل گشت،

توانست پایتخت خود تیسفون را به شهری باشکوه و بی‌بدیل تبدیل کند تا در چشم از جمله سفیران ممالک شرق و غرب، بازرگانان، جاسوسان و سیاحان این عظمت دیده شود.

به گفته پرفسور هادی حسن، شواهدی در دست است که تیسفون تا زمان انوشیروان هنوز به رشد کامل خود نرسیده بود. این شهر تا اوج اعتلای اسلام مرکز داد و ستد بازرگانی مهم مشرق زمین محسوب می‌شده است (هادی حسن، ۱۳۷۱: ص ۱۲۵). باستان‌شناسان سبک و بنای این پایتخت قدیمی را در شمار مهم‌ترین و کامل‌ترین سبک‌های معماری هنری و شهرسازی آورده و آن را در زمره شاهکارهای دنیای قدیم دانسته‌اند. شهرهای همدان و استخر با آن‌که هنوز مراکز مهمی بودند دیگر به طور رسمی تختگاه دائمی دولت ساسانی نبودند. در تیسفون پس از اصلاحات شگرف اقتصادی و اجتماعی خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) نه تنها قدرت بزرگان قدیم کاستی یافته بود، بلکه اشرافیت نیز دستخوش دگرگونی گشته بود (فرای، ۱۳۶۳: ص ۲۴). در زمان شاهنشاهی قباد نیز هر چند در مرزهای شرقی و در داخل مملکت گرفتاری‌های بسیاری وجود داشت اما از اعتبار پایتخت کاسته نشده بود چرا که بعضی قباد را سازنده و توسعه‌دهنده تیسفون دانسته‌اند.

دوران زرین پایتخت باید به زمان خسرو انوشیروان برسد چون در این زمان شهر تیسفون قلب ایران و در جهان، بلند آوازه‌تر شد و از عجایب روی زمین شناخته می‌شد. در زمان خسرو اول بود که دعوت از فیلسوفان یونانی مکتب نوافلاطونی به عمل آمده بود که از جانب امپراتور بیزانس مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند و نزد شاه ایران در تیسفون احترام یافتند. در بین پادشاهان ساسانی یکی از مقتدرترین آنها انوشیروان بود که در مملکت خود بگشت و سفرها کرد و بناها و قلعه‌ها و باروهای استواری ساخت. در حدود مداین شهری ساخت و آنرا رومیه نامید و به تقلید انطاکیه و دیگر شهرهای شام بناها را در داخل حصار از نو بنیان نهاد. انوشیروان در تسخیر شهرهای شام و روم غنایم و جواهر و اموال فراوان گرفت (مسعودی، ۱۳۸۲: ج ۱ ص ۲۶۰).

با آن که تیسفون در دوره حضور شاهان مقتدر، رونق و شکوفایی خود را پشت سر گذاشت، اما در زمان هرمز چهارم بر خلاف سایر شاهنشاهان که در مدائن ساکن بودند، وی اغلب در بیرون این شهر بسر می‌برد. دلیل وی از عدم حضور در پایتخت شاید حوادث گوناگون و نبودن امنیت بوده

است. اوج درخشش تیسفون در نیمه اول دوره پادشاهی خسرو پرویز (۵۹۰-۶۳۲ م) بود؛ یعنی زمانی که او بر هراکلیوس امپراتور بیزانس پیروز شد در حالی که بعدها دامنه جنگ تا نزدیکی تیسفون کشیده شد، اما ایران ساسانی نیروی بلامنازع جهان بوده است. در این زمان شهر محل تجمع دانشمندان، بازرگانان، جهانگردان و سفرای اقصی نقاط جهان بود و خزانه سلطنتی مملو از زر و سیم بود (بیانی، ۱۳۷۷: ص ۷۲). در حالی که تیسفون پایتخت بزرگ دولت شاهنشاهی ایران در عهد خسرو اول به منتهای وسعت و توسعه خود رسیده بود، اما در اواخر ساسانی این شهر رونق اولیه خود را از دست داده بود؛ دلیل آن علاوه بر اوضاع آشفته پایانی حکومت، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عامل دیگری مانند سیلاب‌های مداوم و طغیانگری رود دجله نیز بوده است که موجب شد تا رونق و توسعه در پایتخت کاهش یافته و اوضاع زندگی مردم بدتر شود. در مورد چگونگی حکومت شاهنشاهی ساسانی در اواخر دوره پایتختی تیسفون و تغییرات سازماندهی قدرت، مدارک کمی موجود است.

احداث شهرها از طرف خسرو اول و بنای مراکز شهری جدید و تحکیم مراکز قدیم موجب شد که بخشی از ساکنان ده‌های اطراف که جماعتی خود مختار، قدیمی‌عشیره‌ای که پراکنده بودند به شهرها روی آورند. از تیسفون، پایتخت بزرگ و باشکوه ایران، که مدت هفت قرن یکی از مهم‌ترین مراکز سیاست و علم و تمدن و اقتصادی جهان باستان بود جز ویرانه‌ی تاق کسری و آثار محدود که زینت بخش موزه‌های جهان است اثر دیگری نمی‌توان یافت. قسمت برجای مانده‌ی آن که بیان‌کننده عظمت گذشته پرافتخار شاهنشاهی ایران، در دوره‌های پارتیان و ساسانیان است. تیسفون نه تنها به عنوان مرکز تحولات سیاسی در روزگار باستان مورد توجه بوده و در بسیاری از معادلات سیاسی با همسایگان خود نقش مهمی ایفا می‌کرد، بلکه نقش ویژه‌ای در روابط تجاری و بازرگانی با دیگر کشورها نیز داشته است. ایران که در چهار راه میان حوزه مدیترانه، چین و هند قرار داشت، میانجی مؤثر و سودمندی برای انتقال کالاها و تبادل اندیشه‌ها بین ملل جهان بوده است. لذا نه تنها فرهنگ این سرزمین تأثیر عمیقی بر آسیای میانه، قفقاز و بین‌النهرین گذاشته بود بلکه تأثیر آن در کشورهای دوردستی نظیر چین و روم نیز احساس می‌گردید. (حقیقت، ۱۳۹۴: ص ۸). از آن جا که

تیسفون یکی از مراکز بندری و بازرگانی بزرگ شرق شده بود، به اندازه‌ای وسعت و عظمت داشت که کاروان‌ها باید چند روزی در شهر توقف می‌کردند تا موفق شوند از شهر بیرون بروند چون تیسفون قلب کشورهای وسیع امپراتوری ایران بود (گیرشمن، هرتسفلد و موله، ۱۳۸۰: ج ۴ ص ۲۲۷۳). تیسفون دارای اهمیت بندری و بازرگانی و مرکز اداری ایران نیز بشمار می‌آمد؛ چرا که در کنار رودهای پر آبی چون دجله و در نزدیکی خلیج فارس واقع شده بود که اقیانوس هند را به دریای مدیترانه متصل می‌ساخت و می‌توان گفت میانرودان (بین‌النهرین) از مهم‌ترین مناطق تجاری جهان متمدن آن زمان بشمار می‌آمد و از طرفی این سرزمین جایگاه مهم‌ترین و کهن‌ترین تمدن‌های جهان واقع شده بود. قرارگرفتن تیسفون در مسیر راه‌های تجاری ابریشم^۱ (راه خشکی) و نزدیکی به خلیج فارس (راه دریایی) اهمیت سوق‌الجیشی مهمی برای بازرگانان ساسانی داشت. لذا بازرگانان دریایی و خشکی به تولیدکنندگان بین‌النهرین جهت صدور کالاهای آنها به غرب و شرق دسترسی آسان داشتند. چون شهرهای بازرگانی بیشتر در کنار راه‌ها، جاده‌های مهم، رودخانه‌ها، بنادر، قلعه‌ها و مراکز تجاری مستقر می‌شدند. البته محل استقرار شهرها به موقعیت سیاسی و نظامی یک منطقه نیز وابسته بود (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ج ۱ ص ۳۵۳). شهر بلاش‌گرد (بلاش‌آباد) در پنج

- «جاده ابریشم» از سرحد چین-ترکستان، مرو، ری، هگمتانه^۱ و انطاکیه سوریه عبور می‌کرد و به دریای مدیترانه می‌رسید به این طریق محصولات و مصنوعات از سواحل مدیترانه به آسیای میانه و چین صادر می‌شده است (محمودآبادی ۱۳۸۳: ص ۵۲).
Ferdinand von richthoffn فردیناند ون ریشتوفن جغرافیدان و زمین‌شناس آلمانی سده نوزدهم (واضح اصطلاح جاده ابریشم) وی برای نخستین بار مسیر کاروان‌هایی که از دروازه غربی شهر سیان، پایتخت چین، در عصر تانگ‌ها تا ۶۰۰۰ کیلومتر دورتر در غرب و در ونیز بارهای گران-قیمت خود را تخلیه می‌کردند جاده ابریشم نامید، (مجله پیام یونسکو) کشف درباره‌ی جاده‌های ابریشم.

کیلومتری جنوب غربی سلوکیه توسط بلاش اول اشکانی در نزدیکی تیسفون بنا شد و از مراکز مهم اقتصادی محسوب می شد و از این جهت جای سلوکیه را گرفت. در اطراف بلاش گرد بوستان‌ها و تاکستان‌های بسیار قرار داشته و منطقه‌ای آباد بوده است که آن را ساباط مدائن هم گفته‌اند. بزرگ راه اصلی خشکی از تیسفون که پایتخت بود شروع می شد و از حُلوان و کنگاور عبور می کرد و به همدان می رسید. راه بعدی از طریق ری به دریای خزر و خراسان و سپس از طریق کابل به هند منتهی می شد. راه بعدی ابریشم هم از طریق مرو و ترکستان به چین می رفت. ساسانیان برای اولین بار قدرت دریایی مشرق زمین ظاهر شدند. از این روی نزدیکی تیسفون به راه دریایی مدیترانه و خلیج فارس برای ساسانیان اهمیت زیادی داشت؛ زیرا رقابت تجاری و بازرگانی روم و حبشه از طریق دریا که در مقابل خشکی کم هزینه تر بود از انگیزه‌های دیگر انتخاب تیسفون به عنوان پایتخت ساسانیان بود. (نامی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۱۹۷). «جاده ابریشم» برای اولین بار در سرزمین پارت‌ها با رونق تجارت، رکود کشاورزی را که غالباً به علل سوانح طبیعی یا شرکت نیروهای مولد در جنگ های مداوم پدید می آمد، جبران می نمود و مقدمه ایجاد راه بزرگ ابریشم از سین کیانگ چین تا دریای سیاه و از آنجا تا سیسیل و کرانه های جنوبی مدیترانه فراهم شد. جاده ابریشم برای اولین بار نوعی مناسبات تجاری و به طور طبیعی فرهنگی را در جهان قدیم بین سه دولت بزرگ و مقتدر زمان یعنی چین، ایران و روم فراهم می نمود. یعقوبی درباره راه‌های مدائن در البلدان می نویسد: کسی که بخواهد از مدائن به شرق رود؛ باید از واسط، بصره، ابله، بحرین، سند به سوی هند می رود، کسی که آهنگ ری کند، از دینور به قزوین، ری، از آن جا به جاده خراسان می رسد، سپس به سوی بلخ و سغد رهسپار می گردد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ص ۹۹-۱۰۰). ابن خردادبه راه‌های بغداد (مدائن) به خراسان را چنین بیان می کند: از نهروان به دیرباز، از آن جا به جلولا، سپس به خانقین و از آن جا به قصرشیرین و شهر زور که میان راه مدائن و آتشکده شیز رفته، از آن جا به قرمیسین، سپس به سوی خراسان قصد می کند. پایتخت شاهنشاهی ساسانی از نظر بازرگانی و امور تجاری نقش مهمی در تعادل با معادلات سیاسی منطقه به عهده داشت؛ زیرا شهرهای ایران در دوره ساسانیان مرکز تجارت و صنعت بوده، بازارها معمولاً در مرکز شهر قرار و از راه‌های مختلف، انواع و اقسام کالاها و صنایع دستی به آنجا آورده می شد. در میدان‌های شهر و بازارها همیشه فعالیت و جنب و

جوش وجود داشته است. توده مردم در رفت و آمد بودند و ضمن خرید فروش، و آخرین اخبار و اطلاعات را در زمینه‌های مختلف به دست می‌آوردند. (راوندی، ۱۳۸۴:ص ۷۳۳). مال‌التجاره ایران نه تنها به هند بلکه از طریق خشکی و آبی به چین نیز ارسال می‌گردید. امپراتور روم شرقی، ژوستینیان، که معاصر با انوشیروان بود مصمم شد بدون مداخله بازرگانان ایرانی که اغلب واسطه معاملات کالا و ابریشم^۲ بودند با هندیان وارد معامله شود، در این راه موانع بسیاری موجود بود؛ از جمله وجود ناوگان ایرانی در آبهایی که از هند به اطراف می‌رفت. از طرفی بازرگانان ایرانی به علت سوابق طولانی در امر تجارت با هندیان به هیچ وجه از منافع خود صرف نظر نمی‌کردند و سوداگران هندی نیز به سبب همکاری مداوم و دوستی با ایرانیان معمولاً تجارت با آنها را بر دیگران ترجیح می‌دادند تجارت در شهرهای ایران دوره ساسانی از طریق آسیای میانه با خاور دور، هندوستان و سیلان و یمن برقرار بود. در آن دوره شهرهای ایران مراکز پر جوش و خروش داد و ستد و بازرگانی بود. اهمیت خرید و حمل و نقل ابریشم که از آسیای میانه انجام می‌گرفته در رونق بازرگانی و امور تجاری ایران نقش مهمی داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۸۵:ص ۲۴۱). در خارج از بین‌النهرین دو جاده بزرگ وجود داشت که یکی در امتداد غرب به سمت سوریه کشیده شده بود و دیگری به سمت ساحل دریای مدیترانه بود. این جاده‌ها راه‌های ساده‌ی صحرایی بود. جاده اول از شهر سبیر در جنوب بغداد در ساحل چپ فرات آغاز و به سوی مراکز تجاری دیگر در منطقه ابوکمال ادامه می‌یافت و از آنجا نیز به جانب تدمور و پالمیر ادامه می‌یافت. در این منطقه، جاده به سوی بنادر فنیقی و دمشق و فلسطین امتداد می‌یافت. راه دوم که امن‌تر و دارای امکانات بهتری بود از سمت

- قیمت ابریشم در نیمه دوم ق.م هنگامی که ایرانیان دروازه^۲ مشرق را بر روی بازرگانان روم می‌بستند در سرزمین روم ارزش یک کیلو ابریشم معادل یک کیلو طلا می‌گردید (آذری، ۱۳۳۷: ۲۹).

نینوا از ساحل دجله آغاز می‌شد و پس از عبور از رود فرات سرانجام به سواحل دریای مدیترانه و سوریه مرکزی می‌رسید.

در دوره‌ی ساسانیان در اثر رواج بازرگانی داخلی و توسعه شهرها و شهرنشینی، فضایی شکل گرفت که در اغلب شهرهای بزرگ از جمله سلوکیه قدیم (وه اردشیر) و تیسفون بازارهای بزرگی - که محل تولید و عرضه کالاهای گوناگون از جمله مصنوعات فلزی، منسوجات، غلات و میوه‌ها بود - تکوین یافت. اهمیت و نقش بازار در سازمان اجتماعی این دوره چنان شد که برای بازارها، رئیسی موسوم به «وازاربد» انتخاب می‌شد و به کار اصناف که سازمان‌های خاصی تشکیل داده بودند و با تشکیلات اداری رسیدگی می‌شده است (سلطانزاده، ۱۳۹۰: ص ۳۹).

تیسفون که سابقه طولانی در پایتخت بودن دولت‌های اشکانی و ساسانی را در کارنامه حیات سیاسی خود داشته است، در طول قرن‌های متمادی دارای فراز و فرودهایی بوده است و ضربات ناشی از حملات بیگانگان به خصوص رومیان را در سوابق خود می‌بیند. لشکرکشی‌های گاه بیگاه و دخالت‌های بیگانگان سبب بی‌ثباتی در اوضاع سیاسی کشور می‌شدند؛ از جمله می‌توان به حملات و تجاوزات مکرر رومیان اشاره کرد که به تیسفون تاختند (زرین کوب ۱۳۸۶: ص ۳۹۹). این گونه تهاجمات در دوره ساسانیان به تیسفون همچنان ادامه یافت. یکی از این وقایع در تیسفون و در زمان هرمز، اول فرزند شاپور اول، بود. زمانی که شاپور درگذشت برخی از شورشیان اطراف که اوضاع بحرانی سیاسی کشور را به گوششان رسیده بود به راه افتادند تا شهرهای ایران را به ویژه تیسفون را که پایتخت دولت ساسانی بوده و ثروتمندترین شهر آسیایی محسوب می‌شد غارت کنند (گیرشمن، هرتسفلد و موله، ۱۳۸۰: ج ۴ ص ۲۱۰۴). در زمان شاپور دوم، یولیانوس شهر تیسفون و مقرر فرمان‌روایی شاپور ذوالاکتاف را تصرف کرد شاپور توانست سپاه عظیمی از گوشه و کنار کشور گردآوری کند و خود را آماده ساخت و موفق شد تیسفون را از یولیانوس باز پس بگیرد و شکست خود را تلافی کند (طبری، ۱۳۸۴: ص ۱۳۰).

پس از روی کار آمدن ساسانیان برای محفوظ نگه داشتن حقوق و موقعیت هر یک از طبقات سیاسی، شیوه‌ای نوین اعمال می‌کردند: اما شرایط برای سقوط آن دولت عظیم ساسانی مهیا شده بود. یکی

از دلایل آشفتگی اوضاع اجتماعی ایران در این دوره، اختیارات نامحدودی بود که روحانیون مخصوصاً موبدان داشتند. به جز در دوره شاهان قدرتمند، نفوذ موبدان در دربار ساسانی به حدی رسیده بود که به پادشاهی کسی رأی نمی دادند او پادشاه نمی شد؛ آنگاه باید تاج به دست خود آن‌ها بر سر پادشاه گذارده می شد و حق داشتند که پادشاه را نیز خلع کنند.

اوضاع و احوال ایران در اوایل دوره اسلامی متأثر از ورود اعراب مسلمان به ایران حاصل برخورد دو نظام اجتماعی - فرهنگی و اعتقادی متفاوت بود. نظام مبتنی بر تمرکز در دین و سیاست که ویژگی اصلی و نمایان دولت ساسانی نسبت به اسلاف خود محسوب می شد، اگرچه در حفظ مرزها و در نتیجه استقلال سیاسی ایران در میان دشمنان شرقی (هیاطله و ترکان) و غرب (رومیان) نقش مهمی داشتند؛ اما در سقوط و انحلال ایشان نیز مهم‌ترین عامل بودند.

شاهنشاهی ساسانی مقارن با هجوم اعراب به قلمرو خود از پای درآمده بود به طوری که نفاق بین طبقات، اختلاف و رقابت در میان نجبا برای تسخیر قدرت به وجود آمد. تفرقه و تشتت در امر دیانت آن‌ها را به پرتگاه نیستی کشاند. در اواخر دوره ساسانی اعراب با آگاهی از وضعیت درونی دولت ساسانی طی جنگ‌هایی از جمله قادسیه، تیسفون را تسخیر کردند و غنایم زیادی به دست مسلمانان افتاد. در برخی از منابع، یورش اعراب به سایر سرزمین‌ها و کشورهای مجاور را به سبب تنگدستی و حمایت دینی دانسته‌اند تا بتوانند به سرزمین‌های ثروتمند و هم مرز با سرزمین بیابانی خویش دست یابند. عامل اصلی شکست دولت ساسانی در تهاجم عرب‌های مسلمان ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی داخلی آن بود. سپاه عرب پس از گذشتن از میانرودان در قادسیه با سپاه شاهنشاهی ایران روبرو شدند نبردی سخت در گرفت که اعراب پس از شکست سپاه ایران، تیسفون پایتخت افسانه‌ای ساسانیان را تصرف کردند و سپس راه خود را به فلات ایران گشودند. مقاومت سپاه شاهنشاهی با تصرف تیسفون مقرر سلسله ساسانی در هم شکست (بویس، ۱۳۸۶: ص ۱۷۷). از عوامل شکست ساسانیان در قادسیه به غیر از اختلافات داخلی، کناره‌گیری بیشتر مردم و دهقانان سواد از جنگ با اعراب بود که به دستور عمر امان یافتند و جزیه به گردن گرفتند. (زرین کوب، ۱۳۸۵: ص ۱۰۶).

یکی از غنیمت‌های بزرگ درفش کاویانی^۳ بزرگترین و مهمترین پرچم و نماد حکومتی ساسانیان بود. این درفش که نشانه عظمت، اقتدار و ثروت شاهنشاهی ساسانی و نگهبان پیروزمندانه آنان در شرق و غرب محسوب می‌شد به دست سپاهیان مهاجم افتاد و تاثیری زیادی بر روحیه سپاهیان داشت. در این هجوم آنقدر ثروت گردآوری شده بود که بازار مدینه و شهرهای اطراف، تاب آن همه ثروت را نداشت. گفته می‌شود از دیگر کشورهای جهان نظیر مصر، شام و یمن روی به مدینه نهادند تا گوهرها بخرند بدین گونه اموال خزائن ساسانی در سراسر جهان پراکنده شد (بیانی، ۱۳۷۷:ص ۹۸). مؤلف مجمل‌التواریخ و القصص می‌نویسد: چون خزانه خسرو را از مداین به مدینه بردند بازرگانان شرق و غرب رو به مدینه نهادند به جواهر خریدن و چیزهای گران‌مایه پرداختند (بی‌نا ۱۳۸۳:ص ۲۷۴).

هشام جعیط می‌نویسد: میل شدید اعراب به دستیابی به خزائن ساسانیان و این که مبادا خزائن از دسترس آنها خارج شود در نفوذ نظامی با احتیاط عمل می‌کردند، مویذ این است که ایرانیان مقاومت - هایی از خود نشان داده‌اند مقاومت‌های که هدف آن ایجاد فرصت برای فرار شاه و بردن خزائن بوده است. (جعیط، ۱۳۷۲:ص ۶۵-۶۱). اعراب پس از فتح پایتخت به منظور حکومت مؤثر خود حکام عرب را بر شهرها گماشتند و احتمالاً امیر، جانشین شهرت شد. عنوان شهرت عنوان رسمی در زبان فارسی بوده است که در فارسی باستان خشسپاون و در یونانی ساتراپ به معنی نگهبان یا حامی قلمرو می‌باشد و شهرت‌ها (شهربان‌ها یا حکام) کسانی بودند که ایالات بزرگ شاهنشاهی

۳- درفش کاویانی نماد ملی ایرانیان بوده واز

چرم پلنگ درست شده بود. اندازه آن هشت ذراع
عرض و دوازده ذراع طول داشت. بهای آن به حساب
امروز دومیلیون دویست هزار درهم بود. سپاه عرب
آن را نزد عمر فرستادند که وی دستور داد
گوهرهایش را در آورده و پوست آن را سوختند
(بیانی، ۱۳۷۷:ص ۹۸).

را اداره می‌کردند. شهربها در رأس اداره امور قلمرو و یا نگهبان شاهنشاهی بودند و در دوره هخامنشیان آن‌ها رئیس ایالت به شمار می‌آمدند.

باید دانست ضعف و انحطاط در اوضاعی که تبعیض، بی‌عدالتی، زور و اختناق حکم می‌راند حکومت ساسانی آرام آرام اسباب و جهازات خود را برای فنا و نیستی خود فراهم کرده بود. این اوضاع فنای پادشاهی را به دنبال داشت که پیامد آن هجوم بیگانه بود. شاهنشاهی ساسانی مقارن با هجوم اعراب، خود از پای درآمده بود. یکی از عواملی که بیشتر از همه چیز در میان مردم نفاق و تبعیض ایجاد کرد روش زمامداری بود که ساسانیان در دوره آخرین شاهان این سلسله در ایران برقرار کرده بودند. ریشه‌ی این شیوه‌های فرمانروایی در تمدن‌های پیشین بوده و در دوره ساسانی بر سخت‌گیری آن افزوده شد. یکی دیگر از علل آشفتگی اوضاع اجتماعی ایران دوره ساسانی همان اختیارات نامحدودی بود که روحانیون مخصوصاً موبدان داشتند.

برخی علل سقوط دولت ساسانی را به نزدیک بودن پایتخت آن دولت به جزیره العرب دانسته و دست یافتن عرب بر آن شهر باشکوه را نیز خیانت بعضی از سرداران و بزرگان ایرانی نسبت به شاهنشاه قلمداد کردند. بنا به نوشته بلاذری در جنگ قادسیه چهار هزارتن از ایرانیان به سرداری دیلم نامی خیانت کرده و بدون جنگ به دشمن تسلیم شدند (مشکور، ۱۳۶۳:ص ۴۸۱). در نبرد نهایی و قطعی در ناحیه قادسیه، سپاه انبوه ایران به نحو شایسته‌ای اداره نمی‌شد و چابکی و جلادت خود را از دست داده بود. در سپاه ساسانی از آن جا که فرد لایق و کاردانی نبود که آن‌ها را منظم و کار آمد کند با شکستی که در نبرد قادسیه متحمل شدند تا حدود زیادی روحیه نظامی و سلحشوری خود را از دست دادند.

از دیگر علل اصلی شکست سپاهیان ایران از نیروی جنگی عرب مربوط به شرایط اجتماعی و سیاسی کشور بود که به علت اختلاف دربار و فاصله طبقاتی، زمینه بروز نارضایتی را در مردم فراهم نموده و توده مردم منتظر بودند تا فرصتی بدست آورده و از دست وضع موجود رهایی یابند. (زرین‌کوب، ۱۳۸۰:ص ۹۳). بی‌ثباتی سیاسی و نظامی در تیسفون ناشی از آمد و شدهای مکرر شاهان سال‌های پایانی حکومت ساسانی بود؛ این مسئله باعث متزلزل شدن اوضاع پایتخت و سایر

ایالت‌های تابعه و منجر به شورش سرداران و حاکمان در نقاط مختلف کشور شد (بلعمی، ۱۳۸۵: ص ۷۶۳). اگرچه حکومت ساسانی در از میان بردن مخالفان و شورش‌ها توفیق یافت، اما از نظر سیاست خارجی نیز با تمام مشکلاتی که در پیش داشت مبارزات خود را با دشمنان ادامه می‌داد. از جمله با رومیان در غرب، و با کوشانیان و هیاطله در شرق و با اقوام وحشی در شمال نیز در نبرد بود. بر اثر درگیر شدن در جنگ با بیگانگانی چون رومیان در غرب، کوشانیان و هیاطله در شرق و نیز اقوام وحشی در شمال توان شاهنشاهی را زدوده و پیکر او را نحیف کرده بود. علاوه بر این‌ها، مشکلات و درگیری‌های داخلی نظیر مسئله ارمنستان و رقابت‌ها و اختلافات شدید درباریان برای بدست آوردن تاج و تخت، قتل و کشتارهای خونین در اواخر دوره ساسانی سبب شد که کشور دچار آشفتگی عمده‌ای شود و نتیجه آن ملاحظات سرداران و بزرگان بوده که ناتوانی و بی‌تدبیری پادشاهان دست‌نشانده و بی‌تجربه را به دنبال داشت.

فشار عمال حکومتی بر مردم، توانایی اقتصادی و اجتماعی آنها را دچار نقصان کرده و توسعه و رونق کشور را کاهش داده بود و شرایط برای سقوط و تباهی فراهم شده بود. این در حالی بود که در نزدیکی مرزهای حکومت ساسانیان در شبه جزیره عربستان، شاهد ظهور مکتبی الهی که خود را حامی توده‌های فقیر و تهیدست معرفی می‌کرد و جان تازه‌ای در کالبد انسان‌های ستم‌دیده این سرزمین خشک و سوزان دمید و باعث تقویت روحیه از جان‌گذشتگی و فداکاری در بین اقوام بدوی شد. در طرف مقابل اعراب مسلمان که با اعتماد به نفسی که دین اسلام به آنها تزریق و روحیه دین‌باوری و سلحشوری را در آنها تقویت کرده بود، با اعتقادات راسخ و جدیت تمام خود را برای مقابله با امپراتوری شرق آماده می‌ساخت. اعراب با اهداف متعالی که دین جدید در آنها ایجاد کرد مصمم به مقابله با طرف مقتدر خود شدند. این در شرایطی بود که تزلزل و سستی و بی‌انگیزگی و رفاه‌طلبی در نیروهای مقابل آن‌ها (سپاه ساسانی) حاکم بود. این وضعیت سبب پیروزی‌های پی‌درپی اعراب مهاجم و نهایتاً سقوط بزرگ‌ترین حکومت شرق شد. حکومتی که فرهنگ و تمدن بی‌نظیری را به دنیای آن روزگار هدیه کرده بود و تأثیری شگرف بر جهان باستان باقی گذاشت.

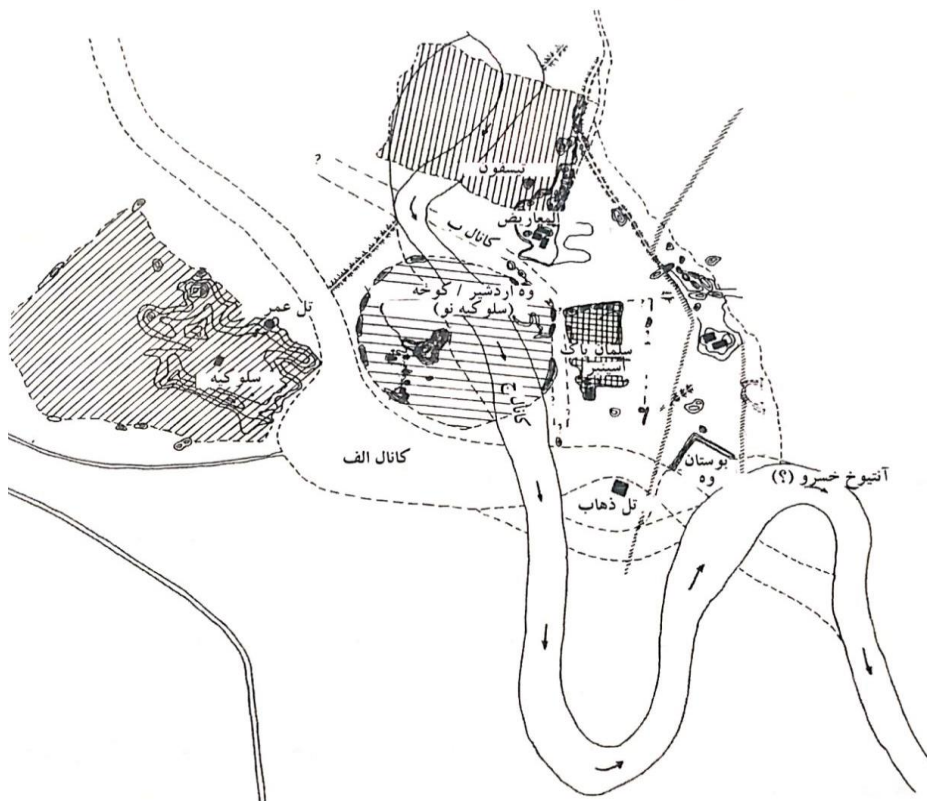
نتیجه‌گیری

اردشیر بابکان به دلایل سیاسی- اداری و موقعیت استراتژیکی، تیسفون را به عنوان مرکز سیاسی دولت ساسانی برگزید. تیسفون جایگاه ژئوپلیتیکی و جنبه نمادین برای شاهنشاهی ساسانی داشت. این شهر محل تبادل فرهنگها و تمدن‌های بزرگ و پل برقراری روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت‌های آن زمان بود. دولت ساسانی پایتخت خود تیسفون را با ایجاد استحکاماتی به اندازه‌ی نیرومند و قوی ساخته بود که غلبه بر آن شهر را ناممکن می‌ساخت. لذا انتخاب آن شهر برای پایتخت شاهنشاهی ساسانی یک جایگاه استراتژیک محسوب می‌شد و از یک موقعیت تهاجمی و دفاعی مناسبی در برابر همسایگان خود برخوردار بود. از سوی دیگر چون تیسفون یکی از مراکز تجارتی مهم آن زمان بود، اهمیت زیادی در مراودات جهانی داشته است. گسترش مبادلات اقتصادی با دولت‌های شرق و غرب، سبب رونق بازرگانی و تجارت ایرانیان شد و کشور از نظر اقتصادی نقش مهمی در جهان آن روز پیدا کرد. واقع شدن تیسفون در مسیر راه‌های بین‌المللی از جمله جاده کهن شاهی، جاده ابریشم و نیز راه دریایی خلیج فارس به اقیانوس هند رونق فراوانی به بازرگانی ایران در دوره‌ی ساسانی بخشید. از سوی دیگر حاصل خیز بودن منطقه توانایی آن را داشت که بتواند جمعیت زیادی را در خود جای دهد و شهر گسترش یابد و ظرفیت لازم برای پایتخت بودن را پیدا کند. تیسفون در اواخر دولت ساسانی به دلیل کشمکش‌های سیاسی بین بزرگان و سرداران و دربار دچار بی‌ثباتی سیاسی و نظامی شد، به ویژه نقش موبدان در ایجاد ثبات و صیانت از قلمرو مادی و معنوی بسیار موثر بود. نقش این طبقه در تغییر وضعیت آرمانی و فرهنگی جامعه دوره ساسانی بسیار کم اثر بود و این مسئله باعث ایجاد گسست‌های اجتماعی و سیاسی این دوره شد و منطقه چه از نظر مکان جغرافیایی که زمینه‌های مناسب برای توسعه فراهم بوده و چه به لحاظ اقتصادی که بر سر راه‌های مهم تجاری و بازرگانی واقع شده بود، با ملل مختلف روابط اقتصادی داشته است پیامدش سبب رکود و آشفتگی اوضاع کشور شد. علت اساسی سقوط ساسانیان را باید در ساختار قدرت این نظام باید جست زیرا این ساختار قادر نبود در تنظیم رابطه میان نهادهای صاحب نفوذ قدرت، تعادلی پایدار پدید آورد و با اقدام به تغییر ساختار و انجام اصلاحات لازم

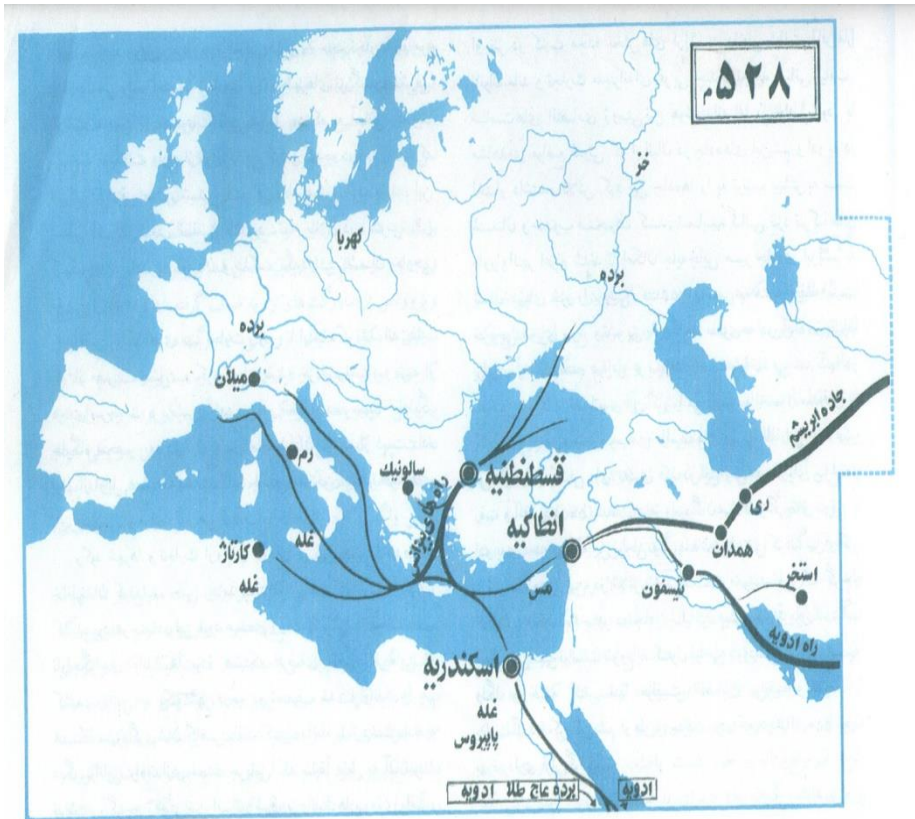
تعادل خود را حفظ کند. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که به دلیل عملکرد ضعیف و ساختار متزلزل سیاسی کشور، فروپاشی تیسفون از مدت‌ها قبل فراهم شده بود. با این حال می‌توان نتیجه گرفت زمینه‌های استحکام یا زوال یک حکومت یا یک تمدن بستگی به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... حاکم بر آن کشور دارد.

پیوست‌ها

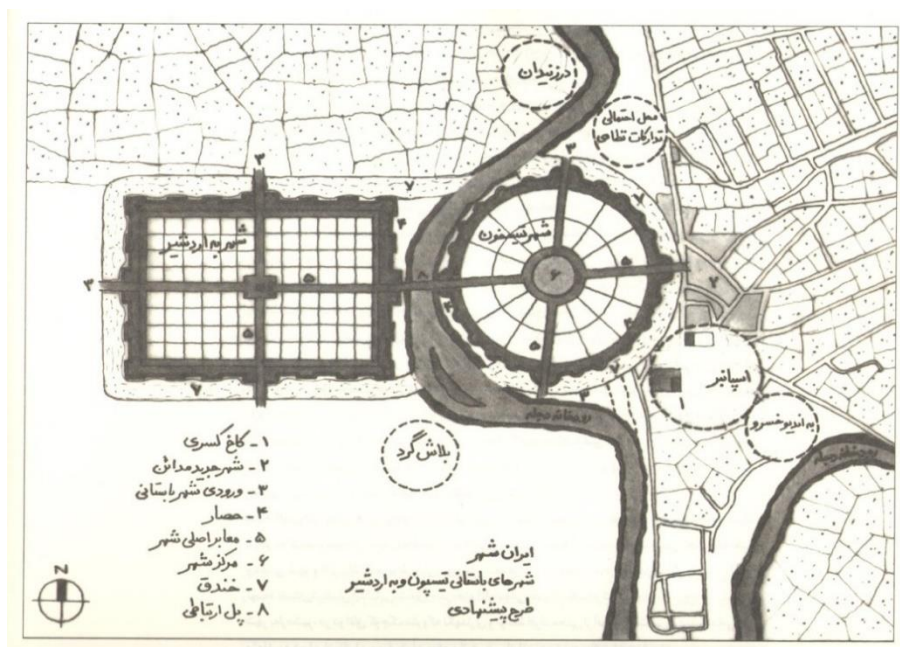
نقشه (۱) شهرهای اقماری تیسفون (Upton, 1932)



نقشه (۲) مسیر جاده ابریشم در سال ۵۲۸ میلادی



نقشه (۳) شهرهای قدیمی تیسفون



منابع و مآخذ

۱. آذری، علاالدین، ۱۳۷۲، «روابط ایران و هند» مجله بررسی‌های تاریخ، ش ۴، سال ششم، ص ۱۱۲-۱۴۶.
۲. آذری، علاالدین، ۱۳۶۷، تاریخ روابط ایران و چین، تهران.
۳. ابن خردادبه، عبدالله، ۱۳۷۱، مسالک و ممالک، مترجم سعید خاکرند، با مقدمه اندره میکس تهران، مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، مؤسسه فرهنگی حنفا.
۴. احمدی پور، زهرا و علی ولی قلی زاده، ۱۳۹۰، «مبانی جغرافیایی-سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران» تهران، پاپلی.
۵. اصطخری، ابواسحاق، ۱۳۸۳، کهن شهرها، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم.
۶. بیانی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۰، پایتخت‌های ایران شاهنشاهی، (سال کوروش)، تهران، شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، ص ۱۵۱.

۷. بیانی، ملکزاده، ۱۳۵۰، «پایتخت‌های شاهنشاهی ایران» تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی ایران، ص ۱۲۱.
۸. بیانی، شیرین، ۱۳۷۷، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ، تهران، جامی.
۹. بلعمی، ابومحمد، ۱۳۸۵، تاریخ بلعمی، تصحیح محمدتقی ملک‌الشعراى بهار، به کوشش پروین گنابادی، تهران، زوار.
۱۰. بی‌نام، ۱۳۸۳، مجمل‌التواریخ و القصص به تصحیح ملک‌الشعراى بهار تهران، دنیای کتاب.
۱۱. پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا، ۱۳۵۳، تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان قرن ۱۸م)، مترجم کریم کشاورز، تهران، پیام.
۱۲. پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا، ۱۳۸۵، ایران باستان، م، مهرداد ایزدپناه، تهران: محور.
۱۳. پیرنیا، حسن، ۱۳۸۷؛ تاریخ ایران باستان، جلد سوم، تهران، نشر سمیر.
۱۴. پیرنیا، حسن، ۱۳۷۸، ایران قدیم، تهران، اساطیر.
۱۵. تکمیل‌همایون، ناصر، ۱۳۷۹، از ایران چه می‌دانم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. جعیط، هاشم، ۱۳۷۲، کوفه پیدایش شهر اسلامی، مترجم ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، مجموعه مقالات تاریخ و تمدن اسلامی، جلد دهم، به کوشش محمدحسین دانش‌کیا و یدالله حاجی‌زاده، تهران، نشر معارف.
۱۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
۱۹. خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۶، تاریخ ایران باستان، جلد دوم، تهران، سخن.
۲۰. دریایی، تورج، ۱۳۸۳، سقوط ساسانیان، مترجم منصوره اتحادیه، تهران، ناشر تاریخ ایران.
۲۱. راوندی، مرتضی، ۱۳۸۴، تاریخ اجتماعی ایران. جلد اول، تهران، نگاه.
۲۲. رائین، اسماعیل، ۱۳۵۰، دریانوردی ایرانیان، جلد اول، تهران، سگه.
۲۳. زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، بامداد اسلام، تهران.
۲۴. زرین‌کوب، عبدالحسین و روزبه، زرین‌کوب، ۱۳۸۵، تاریخ ایران باستان، تاریخ سیاسی ساسانیان، جلد چهارم، تهران، سمت.

۲۵. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۶، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر.
۲۶. سلطانزاده، حسین، ۱۳۶۷، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۷. سلطانزاده، حسین، ۱۳۹۰، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه.ق، تهران، انتشارات چهارطاق.
۲۸. سرفراز، علی اکبر و فیروز آورزمانی، ۱۳۸۵، سکه های ایران از آغاز تا دوره زندیه، تهران، سمت.
۲۹. طبری، محمدبن جریر، ۱۳۸۴، تاریخ الرسل و الملوک بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری، صادق نشأت، تهران، ناشر علمی و فرهنگی.
۳۰. طبری، محمدبن جریر، ۱۳۶۸، تاریخ الرسل و الملوک، جلد اول، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۳۱. فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۶۳، عصر زرین فرهنگ ایران، مترجم مسعود رجب نیا، تهران، ناشر صدا و سیما.
۳۲. فره وشی، بهرام، ۱۳۸۶، کارنامه اردشیر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. کالج، مالکوم، ۱۳۸۵، اشکانیان (پارتیان)، مترجم مسعود رجب نیا، تهران، هیرمند.
۳۴. کریستن سن، آتور، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، مترجم رشید یاسمی، تهران، ناشر نگاه.
۳۵. کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۴، پایتخت های ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۳۶. گیرشمن، رومن، ماریژان موله و هرتسفلد، ۱۳۸۰، سرزمین جاوید، جلد چهارم، مترجم ذبیح اله منصور، تهران، نگارستان کتاب و زرین.
۳۷. گیرشمن، رومن، ۱۳۷۹؛ ایران از آغاز تا اسلام، مترجم محمود بهفروزی، تهران، جامی.
۳۸. مسعودی، علی، ۱۳۸۲، مروج الذهب، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی.
۳۹. مجیدی، حسین، ۱۳۹۸، شناخت شهرهای ایران باستان در دوران هخامنشان، اشکانیان و ساسانیان، تهران، پازینه.
۴۰. مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۸، شهرهای ساسانی، تهران، سمت.
۴۱. محمودآبادی، سیداصغر، ۱۳۸۳، تاریخ فرهنگ و سیاست در ایران باستان، اهواز: مهزیار.
۴۲. مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۳، ایران عهد باستان (اقوام و پادشاهان پیش از اسلام) تهران، اشرافی.

۴۳. مدد، محمد، ۱۳۷۸، اطلس تاریخ ایران، تهران، سازمان نقشه‌برداری کشور.
۴۴. نامی، حسن و دیگران، ۱۳۸۸، نقش عوامل جغرافیایی در انتخاب پایتخت‌های حکومتی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی.
۴۵. هادی حسن، ۱۳۸۱، سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، مترجم امید اقتداری، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب "ابن واضح"، ۱۳۸۲، تاریخ یعقوبی، جلد اول، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی.
۴۷. یعقوبی احمد بن ابی یعقوب "ابن واضح یعقوبی"، ۱۳۵۶، اللبلدان، مترجم محمد ابراهیم آیتی، ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.